

## يك پیروزی در مقیاس انقلاب جهانی

با وجود دشواریها و مصائب پیروزی حتمی از آن خلق ما خواهد بود. امپریالیستهای آمریکائی همچنین باید گوشه خود را کمند. پیروزی عظیم خلق در لاری جنوب و تمام آنچنان ضربه بزرگی بر مرکز امپریالیسم است که بجز آن نمیتوان گفته در زمان پس از جنگ جهانی دوم پیروزی کبیر انقلاب اکثر خلق چین بزرگترین پیروزی خلقها در این خاطرنا بود یا امپریالیسم است.

این پیروزی برخلاف تمام تحولات پیروزیستها و پیروزیستها بار دیگر ثابت نمود که اگر خلق خصمانه دستها سلحه برود و وحدت رهبری سیاسی صحیح جنگ شود مای آقا زمانه میتواند بر پیروزی بزرگ امپریالیسم پیروز گردد و آزادی و استقلال خود را بک آرد.

پس از پیروزی در امپریالیستهای ژاپن و فرانسه و نیز در پراختیار بین فو خلق و تمام موفق شد در شمال کشور خود جمهوری دموکراتیک را تحت رهبری خود بنده آن حزب زحمتکشان و تمام و در راه آن رفیق هوشی مین برقرار سازد. با وجود اینکه کفران سر زود رسال ۱۹۵۴ وجود و و تمام هر چه بد مای موقی تا انتخابات عمومی تعیین کرد بود. اما این امپریالیسم آمریکا بود که با روی کار آوردن حکومتی نکون بدیم از این امر جلوگیری کرد. و از آن پس از هیچ کوششی علیه حکومت خلق در شمال و سرکوب جنبش در جنوب کوتاهی نکرد.

امپریالیسم آمریکا بنظر حفظ منطقه نفوذ خود و سرکوب جنبشها و تمام تجاوز کرد. قریب یک میلیون و دویست هزار سرباز از ارتش خود و سگهای زنجیرش در خاک آورد و در این راه در زمینها تجهیزات هوایی، زمینی و دریائی بیو تمام فرستاد. قریب ۷/۱ میلیون تن بمب یعنی بیش از سه برابر بمب صرف شد در تمام طول جنگ جهانی دوم در خاک و تمام ریخته بخشهای وسیعی از و تمام پراخا یکسان نمود. خاک شمال و تمام یعنی جمهوری دموکراتیک و تمام پیمان کرد. بیش از یک میلیون و تمام را کشت و کشتیها و تمام را رابخوان نمود. اما تمام این ضربات نتوانست در عزم پاسخ خلق و تمام خلقی وارد آورد. خلق و تمام موفق شد با پیروزیهای درخشان خود یکبار آمریکا و حکومت دست نشاند را در برابر خود آورد و آنها را مجبور به امضا قرار داد پاریس رسال ۱۹۷۳ نماید.

اما آنچنان که اهمیت امپریالیسم حکم میکند هنوز مرکب قرار بود در خشک نشد بود که قرار داد از طرف آمریکا و حکومت دست نشاند اثر پذیرد. تیمونگر زود آمریکا پنج روز بعد از قرار داد پاریس گفت: انتخابات عمومی حتی با بیطرفی و کمونیستها انجام نخواهد گرفت. و درست این نیروهای نظامی تیمونگرند که قرار داد را نقض کرد و پس از چند روز از تاریخ قرار داد در همان اوان سال ۷۳ مکرر حملات نظامی بمناطق جنوبی آزاد و بخش ملی برد و محترمی موقی بخشهایی را بدست آوردند.

آمریکا در واقع با بیرون کشیدن نیروهای نظامی خود ارتش مسلح ۱/۱ میلیون تیر باقی گذاشت. با وجود اینکه سیاست طبق قرار داد پاریس ایگایهای نظامی خود را از و تمام جمع نماید همعرا در بست در اختیار رژیم سایگون قرار داد. فرماندهی نظامی خود را از و تمام به تایلند منتقل نمود. ارتش خود را بیرون کشید ولی تمام اسلحه و تجهیزات را در اختیار رژیم سایگون گذاشته بر کارشناسان نظامی خود افزود. در عرض دو سال ۷۴-۷۳ قریب به ۸۰۰ میلیون دلار رژیم تپوکم کرد. کارزان ۶ میلیارد دلار کم نظامی است. در اثر کجکهای نظامی آمریکا رژیم تیمونگر شد که چهارمین نیروی هوایی جهان را برپا نماید.

آمریکا در طول سی سال در حالت خود در و تمام دست بجنایا بزرگی زد ولی هر روز شکست مفتضحانه تری را با خود بار میغان برد. خارج سرسام آور آمریکا را این جنگ با نفی صدها میلیارد دلار میشود. امپریالیسم آمریکا همچنین جهت تقویت موضع خود علیه خلق و تمام، بخاک لافوس تجاوز کرد و کودتای ۱۹۷۰ خود را در کامبوج برپا انداخت.

با وجود تمام این حیل و تدبیر رقیب و خلق و تمام موفق شد بهار دیگر آمریکا و نوکران و تمام او را برانورد. و آنرا مجبور به تسلیم بدین قید و شرط نماید. با شروع حمله عمومی ارتش خود مای از او اشل سال ۷۰ سرها مناطق مختلف جنوب و تمام آزاد کرد بدین. در طول این حمله عمومی ارتش خود مای بقیه رقیب و تمام و ارتش ووشالی بقدری زبون ترس و بود که بسیاری از مناطق بسادگی و باحتی بدین مقاومت ارتش سایگون آزاد گردیدند. ارتش سایگون مقادیر کلانسی از اسلحه و مهمات بجای میگذاشت.

در آمیختن مبارزات خود مای خلق در مناطق تحت حکومت سایگون با مبارزات جبهه آزاد بیخبر ملی مرکز حکومت سایگون را تسخیر نمود. پیروزی خلق در کمترین نیکسون ترانس بر آب کرد. علت اساسی این پیروزی بقیه صفحه ۲

روزی ام آوریل نیروهای ارتش خود مای موفق شد ند پس از محاصره سایگون نیروهای دشمن را مجبور به تسلیم نمود و پیروز شد اند به اخل سایگون وارد شوند. در سایگون نیروهای ارتش خود مای مورد استقبال بیسابقه مردم پایتخت قرار گرفتند. خبر این پیروزی موجی از شادی در ارضی نقاط جهان برانگیخت. فرد ای آوریل اول ماه مه روز مبارزه طبه کارگرا شادی و جشن پیروزی خلق و تمام را آمیخت. هوشی مین رهبر فخر خلق و تمام در و تمام خود چنین نوشت:

## درد به فرزندان که جان تسلیم کردند و تسلیم نشدند

در فروردین ماه اسال نام نه تن دیگر از فرزندان خلق، نام رفقا: جزئی ضیاء ظریفی با فشار سوری، سردی، گلآتشگری، خود دل، کاظم، والانوار و جوانان و بر لوح افتخار شهیدان راه آزادی و استقلال ایران افزوده شد. شاه ایران که از کودکی به جنایت و آدمکشی خو گرفته است دست از کشتار بیگناهان برنمیدارد و گامی به بیگانهترین فرزندان خلق را در زیر شکنجه بقتل میرساند یا با رگبار گلوله در خاک و خون می غلتاند.

شاه از مقاومت روز افزون توده های مردم در برابر سیاست سرکوبانه کرد در برابر سیاست خارجی و داخلی در برابر رژیم استبداد ای و امحاء حقوقی و آزادی بیسای و مکرراتیکه در برابر محرومیت ها ساخت در هر اس است و احقانه چنین مینماید که با اندام گروهی از مبارزان میتوان این مقاومت را در هم شکست و توده ها را تسلیم در برابر خود شود ارد. نقش رفقای شهید نعتها پیش از دستگیری از سر سخت ترین مبارزان علیه رژیم بودند بلکه در زیر شکنجه و در خون زدن آن نیز آتی دست از مبارزه برنمیدارند آنها مظهر ایادی در برابر بیعتی ها و احجافات و دشمنان شاه بودند آنها مای وحدت همه فرزندان این سیاست در زیر طغیان شاه بودند آنها پس از آنکه از آزادی محروم گردیدند زندان را با بیایگام مبارزه مبدل ساختند. ساواک امید داشت با اصال فشار و شکنجه مقاومت آنها را در هم شکند و آنها را برای استغفار و ستایش از رژیم شاه به پشت راد بیرون بفرستد بکشاند. ساواک همراجه کثیر خائنانی نظیر نیکخواه مولا شانی بنده داشت و بی بند ارد. اما آنها از قتل و حشیانه و غیر انسانی زندانها نهراسیدند و با مقاومت و سرسختی در برابر آنها ایستادند. مقاومت آنها در خون زدن نعتها به فرزندان سیاسی الهام میبخشید. بلکه مبارزان خارج از زندان، حتی مبارزان در دست رانین تگای پروپاقت و امید داشت. کینه حیوانی شاه نسبت با آنها از سر سختی آنها در مبارزه از مقاومت قهرمانانه آنها برمیخیزد. شاه بخون این فرزندان خلق تشنه بود و سرانجام تشنگی خود را با ریختن خون پاک آنان فروشانند. ننگ و نفرت بر این اهریمن سیاه دل خون آشام!

توجه کشتار نشتن زندانی بیگناه که سالها بود در زندان بسر میبردند به هیچ عنوانی حتی برای رژیم آدمکش شاه نیز امکان پذیر نبود. در خیام ساواک بشور نشسته تا برای عمل سیاه جنایتکارانه خود در زندان افکار عمومی ایران و جهان محطی بتراشند. آنها بدین روغ مدعی شدند که این مبارزان در حین انتقال از زندانی به زندان دیگر قصد فرار داشتند و در برابر تنگنا خود مقاومت بخرج داد و میزد و خورد و پرت اختناستند؛ نگهبانان نیز آنها را بگلوله بستند. اما رژیم شاه در برابر مردم جهان آنقدر در روختن خون و کشتار مردم مشهور ارد و طی سالهای اخیر آنقدر جوانان بیگانه را بچوبه های اعدا استقامت که هیچ صحنه آفرینی نمیتواند از آن هر چه مشوب سازد مای در اهدایت آدمکشی شاه تری بدی ایجا کند. شاید هم این صحنه سازی بخاطر آنست که قتل در زیر شکنجه این زندگان را پنهان دارند. رژیم شاه با راهها جوانان بیگانه را در زیر شکنجه های وحشیانه بقتل رسانید موسس برای پوشانیدن جنایت خود خیر اندام آنها را منتشر ساخت است. همینکه مقامات امنیتی حاضر نشدند اجساد مقتولین را به خانواده های آنها تسلیم کنند این سوءظن را بیشتر بر بی انگیزد.

شاه در تاریخ جنایات خود نشان داد که استکبرند انیان سیاسی را بشما به گروگان مینگرد و هر زمان که اراد مکرر میتواند تنی چند از آنان را بقتل برساند. از این سرود قاع از زندان انیان سیاسی از هر طرفی کسکین باشد، وظیفه بزرگ جنبش و انشجوی در خارج از کشور پیروزه کف در است. متاسفانه رژیم یونیست ها با فعالیت خرابکارانه ای خود در غرب آنچنان وضع کنند راسیون را در هم بختنند که امکان هرگونه عمل جدی از آن سلب شده است.

در ایران موج مبارزه همواره امنه و سیمتری خود میگرد. رژیم شاه سیاست داخلی و خارجی و با شیوه های ارتجاعی و فاشیستی که در برخورد بتوده های مردم بکار میبرد نمیتواند مبارزه توده های مردم را برپا نگذرد. در برابر این موج مبارزه مردم خود را ضعیف مینماید و ناگزیر به آدامکشی دست میزند تا شاید توده های مردم را در رهرا براند از و جلوی موج مبارزه را بگیرد. شاه میترسد چون مینماید هر روز که میگردد رژیم او سه پرتگانه نیستی نزد بیکر میشود شما میترسد چون مینماید که حلقه های ضعیف زنجیر امپریالیسم یکی پس از دیگری در برابر پیروزی عظیم خلقها میشکند شاه میترسد چون سر نوشت تیو ولون نول و دیگران مانند آئینها نیست که سر نوشت او را معکوس میسازد. شاه میترسد و لذت میکوشد خلقهای بیپن ما را با بگلوله بستن کارگران، با سرکوب تظاهرات و انشجویان و با کشتن زندان انیان سیاسی بترساند. اما نیروی خلق را با هیچ سلاحی و از هیچ همکتر با سلاح را عاب نمیتوان در هم شکست. نیروی خلق سرچشمه ای لا یزال است. در مبارزه امروز گروهی از ایادی ریبایند، فرد اگر و و وای دیگر جای آنرا میگیرند و نیز تا پیروزی نهائی از امضیاید. جزئی و ارتش دیگر ریبان مانعند اما متصور آنها مقاومت و تسلیم ناپذیری آنها الهام بخش ادمه دهندگان مبارزه است.

کشتار نا جوانان در فروردین ماه سوجی از خشم و اعتراض و رسا در جهان برانگیخت. سازمانهای بین المللی بسیاری از محافل دموکرات و سازمانهای دفاع از زندان انیان سیاسی طی نامه های خود این جنایت فجیع شاه را محکوم کردند. بار دیگر خبر جنایت شاه در جهان طنین افکند و بار دیگر افکار عمومی جهان شاه را محکوم کرد.

شهیدان فروردین مانند دیگر فرزندان خلق در بارگاه استبداد برانورد نیامدند و ایستاد سر دادند همان تسلیم کردند ولی تسلیم نشدند خلقهای ایران نام فرزندان خود را، فرزندان خود را، فرزندان خود را که بخاطر آزادی و استقلال مین و رفاه و سعادت توده های محروم و زحمتکش در میدان نبرد برخاک افتادند هرگز از یاد نخواهند برد. گرامی باد خاطره شهیدان فروردین! نام فرزندان خلق درخشان و جاوید است!

## پیروزی خلق کامبوج چه میاموزد

خلق کامبوج پس از پنج سال بیگانه گریه و بیگانه مبارزه ای قاطع و بی تزلزل مین خود را از یوغ امپریالیسم خارجی و نوکران پیسرویت داخلی آن آزاد ساخت. این آزادی و سهولت بدست نیامد به بیسای خون در ها هزار فرزند قهرمان خلق تمام شد اما خلق کامبوج اکنون میتوا با برخورداری کامل از آزادی و استقلال سر نوشت خود را در دست گیرد و برای خوش جامعی نوین، جامعه ای آباد و آزاد و شکران بسازد. خلق های جهان و از آن جمله خلق ایران با این پیروزی با شادمانی فراوان مینگردند زیرا آینده خود را در آن می بینند.

در ارتباط با پیروزی خلق کامبوج توجه به مسئله ضروری است بدستگیری و کشتن توان بر آنها چشم فرو بست یکی موضع گیری اتحاد شوروی در قبال جبهه متحد ملی و دولت و ارتش انقلابی کامبوج است که جلوه های آزما هیت امپریالیستی ضد خلقی و ضد انقلابی آنست که دیگر شکست جنگ توده های مبارزه مسلحانه که بار دیگر صحت و قوت خود را با اثبات رسانید.

۱- در رود سه روز یونیست های ایرانی که در دفاع از اربابان شوروی خود ناتوان اند برای پوشانیدن واقعیت شوروی ناگزیر بگفته اند نوشته بگران توسل میجویند. این شیوه نامعقولی است ناشی از ضعف و بیچارگی است ولی راه دیگری برای آنها باقی نمانده است. شکست انگیز تر اینکه گفته اند نوشته بگران فقط تا آنجا در آن موارد قابل استناد است بقیه صفحه ۲

## ننگ و نفرت بر رژیم فاشیست و آدمکش شاه!



بناسبت بقیمت صفت ۴ در هم کویدند ضد انقلاب و سرمایه داری است که امروزه راتحاد شوروی سلطه است .

سراسر تبلیغات روزیونیستی درباره جشن سالروز پیمان دوین جنگ جهانی یکبارچه عوام فریبی است . ( . . . )

در بهار ۹۴ تا تک های اتحاد شوروی مبرک وارد شد تا اشغالگران نازی را از آنجا برانند . در بهار ۹۷ تا تک های شوروی را آنجا مستقر کرد بداند تا حافظ اشغال فاشیستی تازه ای باشند . امروز سراسر شوروی در اروپای شرقی زانده ارم حفظ منافع سیاسی و نظامی سوسیال امپریالیسم است ( . . . ) .

طلایه تجاوز نظامی شوروی است . سراسر شوروی سراسری است که خلق ها به او کینه میورزند و لعنت می فرستند ، دشمن مکار و حیله گر است اشغالگری است که بجای نازیهای اشغالگر نشتست است .

امروز ارتش سرخ وارث و ادامه ارتش سرخ دوران جنگ و دوران استالین نیست . کوشش در آوردن روزه روزیونیستی شوروی در این نگرسالت ارتش سرخ را در زمان جنگ با وظیفه های کامروز انجام میدهد در یک ردیف بگذارد کوشش عیثی است و هیچ کس را قانع نمیکند . بر اثر خیانت روزیونیستی ارتش سرخ کنونی غیر از لباس هیچ چیز مشترکی با ارتش سرخ ندارد . امروز ارتش شوروی ارتشی تجاوزکار ، ارتش اشغالگر امپریالیستی است . ارتش فاشیستی است که آزادی و استقلال خلق های اروپا و پرتغال و آسیا و همه جهان را تهدید میکند . ( . . . )

د لاتی گروزیونیستی های شوروی برای توجیه توقف سپاهیان خود در کشورهای خارجی میآورند بی اساس است و نمایه تاریخی دارد و نمایه قضائی . ( . . . )

روزم شاه . . . بقیه از صفحه ۴

منافع صلح و امنیت واقعی اروپا و حق انکار ناپذیر خلق های اروپا به اینگونه کاملاً آزاد و مستقل زندگی کنند . ایجاب میکند که سپاهیان شوروی و آمریکائی که اکنون در بسیاری از کشورهای قاره اروپا توقف دارند ، به طور کامل و بدون قید و شرط از این کشورهای بیرون روند . این با اصطلاح ابتکار شوروی و آمریکائی رباره امنیت اروپا و تنظیم نیروهای نظامی در اروپای مرکزی نقشه و سیاستی است که هدف آنها حفظ مناطق نفوذ در اروپا و توجیه نفوذی کردن حضور نیروهای اشغالی در این منطقه است . ( . . . )

و توالیهای شوروی فرصت و اقلیت می شمرند . برای آنکه قدرت سلاحهای خود را برین بکشند و غصلت تجاوزکارانه ماشین نظامی شوروی را مورد ستایش قرار دهند . آنها در رباره سیاست داخلی و خارجی نیز زیاد حرف میزنند و این نشانه آنست که روزه آنها در سیستم رهبری شوروی افزایش زیادی یافته است . اما آنها در عرصه تاریخ نیز وارد میشوند و میخواهند تاریخ را بدو لخواه خود دگرگون سازند . برخی از آنها آنقدر ریش میروند که میگویند جنبش آزاد میخس در کشورهای اشغال شده اروپا فقط پس از ورود ارتش سرخ به این کشورها اختلا یافت ، چون این حکم روهله اول در مورد مقاومت ضد فاشیستی کشورهای بالکان و کار میبرد ما میخواهیم به این آقایان یاد آوری کنیم که در این شبه جزیره خلقی هستند که در انتظار آمدن چهارم ۱۹۴۴ نمائندند برای آنکه علیه فاشیسم قد برافرازند . پیشروی ارتش سرخ به مرزهای این کشورها البته بسیار زود آنها اختلا بخشید .

بمیزبیزی راه آنها تقویت کرد . ولی این نیز واقعیتی است و تاریخ این کشورها گواهی بر این امر است که چنانچه آنها نتوانند جنگی تند ، حتی اگر این جنگ برای نپل به آزادی . . . سال هم طول می انجامد

آنها سلاح را از دست فرو نهدگه اشتند . ( . . . )

در روزهای سخت نبود شکوه محاصره لنیننگراد و مقاومت در استالیننگراد و غیره ارتش شوروی میدانست که در کوه های آلپس نی یوکسلاوی و یونان و در رومید آن نبود فرانسود و نیرو هزاران هزار مبارزند کی خود را نشان میدهند تا کار در هم کویدند نازیها را برای شوروی تسهیل کنند ، ارتش شوروی میدانست که صد ها هزار از این مبارزان همه چیز را فدای میگردند برای آنکه یک دوچین سپاه آلمان و کیمیلنگ را سرگرم سازند تا به جبهه شوروی فرستاد میشوند . ارتش شوروی میدانست که در شرق در برابر شوروی میبایست با هم زاینند و میلیون خلق چین ایستادگی میکردند . بدین ترتیب کک و متقا بل بود و این حقیقت مسلمی است مانند این حقیقت دیگر که پیروزی بر فاشیسم کار مبارزه مشترک و همکاری مشترک همه خلق های انقلابی ضد فاشیستی بود . هیچ چیز و هیچ تشرفاتی هر چه بر شکوه باشد ، هیچ تبلیغاتی هراند از طرف باشد ، هیچ اعلانی هر قدر پُر - طعراقی باشد نمیتواند این حقیقت را بپوشاند .

رهبران امروز شوروی از گه شده بر افتخار کشور خود که با آن هیچ وجه مشترکی ندارند سو استفاده میکنند ؛ آنها از احساسات و خاطرات خلق شوروی ، از رنجها و قربانیهای آن سو استفاده میکنند آنها سو استفاده میکنند از ارج و احترامی که خلق های همه بزرگسی میدادند که انسانهای شوروی در پیروزی بر فاشیسم آزادی خلق ها از یوغ فاشیسم نازی را اگر مانند ، هیچ تبلیغاتی و هیچ تلاشی برای آنکه خود را منزه جلوه دهند یا حتی افتخار گدشته قهرمانانه خلقی - های شوروی را بحساب خود بنویسند نمیتواند خیانت آنها و شکست آنها را بپوشاند . بیگانه تبلیغاتی کنونی آنها بناسبت می این سالروز پیروزی بر فاشیسم مانند همه بیگانه های تبلیغاتی گدشته آنها باناگامی روبرو خواهد شد . ( . . . )

سی امین سالروز پیروزی بر فاشیسم فقط فرصتی برای گرامی داشتن گدشته قهرمانانه با پدر اختن بر نخبها و قربانیهایی که خلقها برای برهائی از یوغ فاشیسم تحمل کردند مانند نیست بلکه باید ما را برانگیزد که نکل و جوادش گرامی برای تجاوز فاشیسم هموایی ساختند از یابی کنیم ، از ترازوی بزرگ جنگ دو جهانی در سپاه لا ز پیکریم ، نیروها را بسج کنیم و خود را افزایش دهیم تا از هرگونه فاجعه ای در آیند جلوگیر شود . تاریخ مبارزات ضد فاشیستی باید در خدمت این امر قرار گیرد که موضع بین الطلی کنونی درک شود و تود های وسیع نیروهای خود را طبعند ارك جنگ و نقشه های تجاوز کارانه قدرتهای امپریالیستی بسج کنند . این امری لازم است که نباید تعبد آن کپها را در شود و نه بدست فراموشی سپرد شود .

امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها بدرن ترین و مهلك ترین سلاحهای خود را افزایش میدهند . این سلاحها برای نمایش نیست برای ارباب خلقها است و برای آنست که علیه آنها بکسار رود . ( . . . ) خطر تجاوزات جدید از جانب و وابر قدرت در روض کنونی بعلمت بحران اقتصادی که گریبان آنها را گرفتار صنعتی شکستهای سیاسی گمتمحل شده اند ، افزایش مییابد . چنانچه سیاست امپریالیست افشا نشود و با قاطعیت و شجاعت تعلیم آن مبارز بعمل نیاید بد نیامیتوا گرفتار حوادث تغییر مترقی گردد که برای او گران تمام خواهد شد ( . . . )

سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی که بجای فاشیست های هیتلری و اگر گفته اند خطرناک است اما میتوان با آن مبارزه کرد و از آن جلو گرفت . امروز خلق های جهان این امکان و نیرو را دارند که گدسه آهینی بکشند که تمام نقشه های امپریالیستی و روزیونیستی و توطئه ها را در رهش کنند .

باشد کسی امین سال پیروزی بر فاشیسم انگیزه ای کرد و برای آنکه هو شیاری انقلابی خلقها را طبعند اركات جنگ امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی و همه نیروهای ارتجاعی دیگر تیز کند ، برای آنکه همه سیاسی را برای دفاع از آزادی و استقلال و حاکمیت ملی متحد گردانند ، برای آنکه تمام کوشش ها بعمل آید تا مدعیان چند بد سلطه بر جهان باشکست مواجه گردند و نابود شوند .

در مورد ایران طبق آمار رسمی نمی از درآمد نفت که رسال گدشته به ۲ میلیارد دلار روایتی به ۲۵ میلیارد بالغ خود داشته بصرف وام و سرمایه گذاری ، خرید سپاه و اوراق قرضه و ارزید فاست و بقیه زمین بخیرید اسلحه و خرید محصولات وارداتی و خدمات ویژه اختصاص یافته است . انعکاس این ولخرجی در متوازن تجارت خارجی ایران بخوبی مشهود است . تجارت خارجی ما در یازده سال اخیر هیچگاه موازنه نداشته و واردات تقریباً همیشه بیش از صادرات بود فاست . سال گدشته بگفته و نیز اقتصاد صادرات ایران ( غیر نفت ) به ۸۰۰ میلیون دلار و واردات به ۱ میلیارد دلار بالغ گردید معنی واردات تا ۲/۵ برابر صادرات بالا رفته است . ایران در از اینکه لا رجنس که به خارج میفرود ۲/۵ دلار برای خرید میبرد از و این مابه التفاوت از عواید نفت تامین میگردد . همین در وقت اهمیت در آمد نفت در حیات جامعه ما نشان میدهد نشان میدهد که چگونه امپریالیست ها از راه فروش محصولات صنعتی و کشاورزی خود به ایران با قیمت های گزاف بخشی از پولی را که بابت نفت با یک دست پرداخته اند با دست دیگری ستانند .

واردات کشور ما در مجموع کالا های مصرفی است و رژیم شاه برای تولید نیازمندیهای دستاورد ما در عمل نیامورد . در نتیجه کشور ما گرفتار کمبود مواد خوراکی و مواد مصرفی ابتدائی است . سال گدشته سیلیارد ها دلار برای خرید محصولات مصرفی وارد کردیم ، شکر ، چای ، میوه ، لبنیات ، گوشت ، تخم مرغ ، سبزیجات مانند پیاز و سیب زمینی و نظایر آنها وارد اختیار است . در گدشته مردم ایران محصولات کشاورزی مورد نیاز خود را تولید میکردند و حتی در شرایط مساعد قسمتی از آنها نیز به خارج صادر میکردید . اما اکنون برای وارد کردن آنها باید سیلیارد ها ثروت کشور را بپردازد .

بنابه ادعای رژیم های ایران ، کشور ما انواع و اقسام مسائل نظیموتوری میسازد ، حتی به کشورهای دیگر نیز صادر میکند . اما شما با کمال تعجب میخوانید که وزارت راه و ترابری ۲۰۰۰ دستگاه کامیون خریداری کرد فاست در حالی که صاحبان صنایع و تراز استلال میکنند که اگر ۲۰۰۰ دستگاه تراکتور و ۶۰۰۰ دستگاه تراکتور و کاترین وارداتی از منابع داخلی تامین میشد . . . ارز انتر تمام میشد و امتحان شد نیز بود و تامین لوازم بدی و مشخصه فنی نارمشکی نبود ( تهران اکنون بیست شماره ۱۰۵۰ مورخ ۱۹ شهریور ۵۳ ) . خرید و هزار دستگاه کامیون ظاهره برای آنست که بوضع حمل و نقل کالا های وارداتی و صادراتی که در زمان روگر کمانها پیروزی هم نیاشته شد مانند سروصورتی بد هد اما بعلمت فقه ان تعمیرگاههای کامیون و رواندگان از مود و مشخصه نبودن قطعات بد کی این خرید مانند خرید های دیگر در موجود وضع خرابی را تاثیر می بخشد زیرا بنا بر نوشته همین مجله . . . در دستگاهی ارتبی اول کامیونها که قریب یکما فاست وارد شد خود در انبارها و توقفگاهها خاک میخورند . شد غلامی که آب جوی آورد . آب جو آید و غلام ببرد .

برای کسی که کشور استعمار زده ما را بد رستی بشناسد نوشته زیر تعجبی برنی انگیزد : ایران بزرگترین وارد کننده گل در آسیا . مجله گنگاران بین الطلی ، در بررسی وضع گل در ایران مینویسد با اینکه ایران بزرگترین وارد کننده گل در آسیا است اما بهای گل در این کشور از هر جای دیگر نیابالاتر است . این مجله اضافه میکند ایران در حال حاضر از هلند ، آلمان ، فرانسه ، یونان ، بلژیک ، ایتالیا و ژاپن گل وارد میکند . بهای شاخه های گل وارداتی از . . . در حال تاد هزار ریال است ( پیش از سه برابر در متوسط ماهیانه یک کارگر - توفان ) و گل های گران قیمت خریداران پرویا قرصی دارد . این مجله پایان مینویسد ، ما این حال امکانات طبیعی و آب و هوای متنوع میتواند ایران را بصورت یکی از بزرگترین مراکز تولید گل در آورد . ( کیهان هوائی ۱۱ خرداد ۵۳ ) .

این مجله فراموش میکند که همین امپریالیستهای آمریکائی ، انگلیسی ، فرانسوی ، آلمانی ، ژاپنی و ایتالیائی اند که کشور ما را این روز سیاه نشانیده اند ؛ این مجله فراموش میکند که اگر جز این میبود آنها نمیتوانستند هر سال سهمی از ثروت میهن ما را فقط بابت صادرات گل کل بایران تصاحب کنند . در کشوری که مردم آن رضائی دارند نفسکن و نه بهد اشت و نه فرهنگ یک شاخه گل به مبلغ ۱۴۰ دلار بفروشد و گل های گران قیمت خریداران پرویا قرصی دارد . چنین است وضع کشور استعمار زده ما ، کشوری که در آن بپرکت سلطه امپریالیسم قشر کوچکی در زمان اندکی ثروت های افسانه ای انداخته و بیاند وزند در حالی که در قطب مخالف آنها فقر و محرومیت باشد در روز افزونی چشم میخورد .

وزیر اقتصاد در سخنرانی خود در آمد ملی سرانه را رسال گدشته ۲۴۴ دلار ذکر کرد فاست کولی روشن است که این رقم کپهای هیچ حقیقتی نیست . نشریه صند و ق بین الطلی پول در مقاله ای تحقیقی در آمد سرانه سالیانه مردم هند را . . . دلار ذکر میکند و سپهر جیا فراید که در آمد ۱۰ میلیون از ۵۰ میلیون جمعیت آن کشور حتی به ۲۸۰ دلار هم رسیده . در آمد سرانه سالیانه در کشور ما نیز همین منوال است ؛ برای کارگران اگر در ستمز صوب شوروی عالی کار در ۳/۳۱/۱۹۰ هزارم ملاک قرار دهیم و هر خانواد کارگری را چهار نفر حساب کنیم در آمد سرانه سالیانه در تاسطین نفر حد اکثر ۱۶۰ دلار در سال است . وضع دهقانان به مراتب از اینهم بدتر است .

دستگاهی که در ایران بر سر کار است آنقدر رسیده فاست که حتی از حل مسائل مشکلا تپیشیا افتاد مردم نیز نتوان است . باید این دستگاه را از صحنه میهن ما روبرید و دولتی بجای آن نشانند که نمایند و واقعی تود های مردم و نگهبان منافع آنها باشند . آنگاه و تنها آنگاه جامعه ما بسوی آزادی و استقلال و ترقی پیش خواهد رفت .

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

# پیروزی خلق های هند و چین پیروزی انقلاب در مقیاس جهانی است

درباره حوادث اخیر لبنان

حوادثی که در راه گذشتند در پیروزی و در پیروزی شهادت  
د هبانتن از انقلاب بین فلسطین گردید ، بهرچوچه تصادفی نبود .  
بعلت وجود سازمانهای آزاد بخش جنبش فلسطین در لبنان و نیرو  
های ارتجاعی عرب و حامیان نشان یعنی آمریکا آنها ، روسها با اینها  
و اسرائیلیها همواره توجه ویژه ای به لبنان برای سرکوبی جنبش  
فلسطین داشته و دارند .

گوارن عناصر شناخته شده های مانند گودلی ( رئیس سابق  
سازمان جاسوسی آمریکا در لائوس ) به سمت سفیر آمریکا و نظایر او  
کارشناس مشهور خاورمیانه به سمت سفیر کبیر اتحاد شوروی در لبنان  
نیزه در جزسروکوب و مبارز کردن جنبش آزاد بخش فلسطین از طرفی  
و ابرق رت ( البتعمریک بشیوه خود ) ندادند .

وزیر ایران نیز به سبب خود با همکاری رید ریخ و ملت ارتجاعی  
لبنان برخلاف هیاهوی عوام فریبانه اثر در فاع مردم فلسطین بطور  
ستقیم عملی در سرکوب جنبش فلسطین شرکت در ارد و نقش واسطه  
و دلال بنفع امپریالیسم آمریکا را عهده دار می باشد . رژیم شاه با بسط  
شبهه سازمان امنیت در بیروت بطور عمد هدفهای زیر را دنبال میکند  
۱- تقویت و شناسائی مبارزین ایرانی که کمک جنبش خلق  
فلسطین میباشند .

۲- تحقیق و جاسوسی درباره جنبش فلسطین و غیره -  
رساندن به امپریالیسم آمریکا .

۳- برآوردن اختنیک پایگاه ارتجاعی برای سرکوب مستقیم  
جنبش فلسطین .

در مورد نکته سوم متحدی و نیز موفق بود فاست ، پشتیبانی  
رژیم از احزاب ارتجاعی و فاشیستی "الحرار و کتائب و سفرهای بی در  
بی عناصر ارتجاعی معروف لبنانی مثل کمال شمعون - کاسم الخلیل و  
بیر الجلیل به ایران و خصوصاً سردار ادیک از یاد ای اسلحه جویل به  
حزب فاشیستی کتائب بیانگرایان واقعیت است . اسلحه های مذکور در  
حلقه اخیر فاشیست های حزب کتائب به فلسطینی ها مفاع چاه ها  
و از مردم فلسطین نشان میدهد .

در مارس ۱۹۷۵ با شماره امپریالیسم آمریکا و شرکت فعلی  
محمد رضا شاه کفرانی تحت عنوان همبستگی خلقهای خاورمیانه  
در بیروت تشکیل میگردد . کمال شمعون ریاست این کفرانی را  
بعهدده داشت ، تصویبات این کفرانی همبستگی از جمله چنین اند  
۱- مبارزه با همه جا نفوسخت علیه مارکسیست لنینیستهای  
فلسطینی .

۲- از بین بردن انقلاب در عمان باشد ت هر چه متاثره .  
۳- مبارزه علیه جمهوری تود های چین و آلبانی .

۴- مبارزه سیاسی و اقتصادی علیه جمهوری د مکرانیک  
یعن جنوبی .

۵- مبارزه با افکار مارکسیستی لنینیستی در سراسر منطقه .  
بعلاوه این کفرانی همبستگی تلنگر افهائی برای وان تیور کبیر  
جمهوری سنتشاند ، سابق آمریکا در روتنام جنوبی ، رئیس جمهور  
کروا جنوبی ، جان کایچک ( تایوان ) ، سلطان قابوس و ملک فیصل  
مرحوم ارسال داشته و طی آن پشتیبانی بید ریخ خود را از مبارزه  
آنها علیه کمونیسم اعلام داشت .

برگزینی چنین کفرانی امری بسیار بقای نیست در رساله های  
. هنگامی که در خاورمیانه موج مبارزه علیه امپریالیسم شعله ور بود ،  
نظیر این کفرانی یکی از هنگ های زیبا و ویلاقی لبنان ( بهمد و )  
تشکیل گردید و بنا برخواست آیزنهاور تصمیاتی از نوع تصمیات فوقی  
انجام نمود .

کارگزاران چنین کفرانی همبستگی امروزی تحت عنوان عوام فریبانه  
اختلافات مذهبی انقلاب بین فلسطین را بگول میبندند و فریاد سر-  
می دهند که مسیحیان برای فاع ز مسیحیت خود بجان مسلمانان افتا-  
د ماند . روزنامه ها و بلندگوهای ارتجاعی در ۱۹۵۵ و نیز هنگامی که  
خلقهای لبنان علیه سرورد لبنان به میدان نظامی بخنداد به مبارزه برخیزند  
و از ورود لبنان باین بهمان ارتجاعی جلوگیری کردند به آنکه برآوردند که  
ضمن این مبارزه کلی اختلافات مذهبی است .

حملات متوالی ارتجاعی لبنان به انقلاب بین فلسطین همواره  
تحت عنوان اختلافات مذهبی انجام گرفته است . حلقه اخیر ارتجاعی  
علیه جنبش فلسطین نیز جز این نیست . بقیه در صفحه ۲

از زوای صولیت بمناسبت سالروز پیروزی بر فاشیسم

قرارداد است . که بزرگترین نبرد هارا که بنا بود ی ارتش هیتلر انجام میداد  
سازمان داد و رهبری کرد ، که خلق های شوروی را به قهرمانی تود های  
برانگیخت . درباره استالین که در پیروزی شوروی را در آن دوران  
بسیار شرنج و پیچیده رهبری کرد و نیز درباره اینکه نام او در آن زمان  
برای خلق شوروی بود بگر خلق های ضد فاشیست چه شهبوی داشت  
حتی گفهای هم نیامده است .

مرد شوروی ناگزیر از خود می پرستد : " این سکوت درباره  
استالین چه معنی دارد ؟ " هضمید انند که هیچ رهبری اتحاد-  
شوروی در جنگ کبیر میهنی سازمان داد و رهبری نبرد های  
افسانه ای ارتش سرخ که در نظامی آلمان را نابود کرد و بر آن پیروز  
شد ، مبارزه بیاماتیک حاد به منظور تاسین صلح عاد لانه بر جنگ ،  
بانام او عینا در آمیخته است . میلیونها تن از دختران و پسران خلق  
شوروی در میدانهای نبرد برخاک افتادند در حالی که نام استالین  
بر لب داشتند . تصویر او منبع الهام و بر جه مقاومت ضد فاشیستی  
خلقهای بسیاری بود .

استالین و حزب بلشویک که او در راس آن قرار داشت خلق  
شوروی را قهرمان و سپهر پرست ، مومن و کمونیسم و انترناسیونالیسم  
بار آورد ، او را با این اندیشه پرورش داد که در خطوط مقدم مبارزه  
ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی جای گیرد . در زمان جنگ و برآزان  
هیچکس نماند استالین از حق خلق ها در تعیین سرنوشت خود و از  
اید مال آنها در باره م موکراسی و ترقی و فاع نکرد ( . . . )

بنا بر این نقتنها ممکن نیست بلکه نام معقول است از جنگ میهنی  
اتحاد شوروی بطور کلی از جنگ و درجهانی سخن بمان آورد و از نقش  
استالین یاد نکرد ، و آنطور که رهبران کرملن میکنند . کسی که میگوید  
استالین را از تاریخ بزداید در واقع تاریخ را منته میکند . استالین  
و انقلاب کبیر ، استالین و جنگ میهنی ، استالین و مارکسیسم لنینیسم  
از هم جدا نمی ناپذیرند . ( . . . )

رهبران کرملن و بیرون آنها نمیخواهند از استالین نامی بزنند  
آوردند زیر نام او و کار او بطور مستمر خبیانت و ریزش استالین را بر کرسی  
اتهامی نشاندند ، زیر نام او و کار او با شویسم عظمت طلبانه روس  
و سیاست توسعه طلبانه ای که امروز ریش گرفته اند مغایرت دارد ،  
زیر نام او و کار او شمار مبارزه برای بقیه در صفحه ۳

اصال خلق های سراسر جهان یکی از مهمترین وقایع تاریخ  
در آن معاصر ، سی امین سالروز پیروزی بر فاشیسم را جشن میگیرند .  
بمناسبت این سالروز در تمام جهان جشنهایی برپا خواهد گشت و در  
آنها ارتلاشهای قهرمانانه خلق های انقلابی ضد فاشیستی و از  
بهای سنگینی یاد خواهد شد که بشریت برای نجات از طاعون فاشیسم  
پرداخته است . تجاوز هیتلر بزرگترین خطری بود که تاکنون در برابر آزادی  
و استقلال ملتها در برابر این حق انسان که باید بر روی زمین آزاد زیست  
کند و آزاد کار کند ، در برابر روزهای تکامل شرقی جهان قرار داشته  
است . از این پیروزی بر فاشیسم برای تمام بشریت و برای امنیت  
بسیار بزرگی است . ناپدید شدن فاشیسم فاشیستی به خلقهای اسیر  
امکان داد و باز آزادی و استقلال نائل آید ، شرایط مناسبی برای پیروزی  
سوسیالیسم در ده های از کشورها برای انقلاب جنبش آزاد بخش  
و ملی ، برای تکان دادن و فروریختن سیستم مستعمراتی پدید آید .

جهان ، مبارزه عظیم خلق های اتحاد شوروی و استالین را  
برای درهم شکستن فاشیسم و ساعی آنرا بر سر جنگ برای آنکه صلح  
عاد لانه برقرار گردد ، و برای آنکه جامعه مشترکی از ملت ها بر اساس  
تساوی حقوق مردم داخله و همکاری پدید آید ، که از تهدیدات  
امپریالیستی ، اعمال فشارها و ارباب گیری باشد ارج گذاشته و اکنون  
نیز مانند گذشته عارج میگردد .

اما آفتابان روزیونیست های سکوا این جهات در رخشان تاریخ  
خلق های شوروی را پاره کرد و لوگ مال نمود هاند . اتحاد شوروی  
و دیگر اتحاد شوروی سالهای جنگ میهنی ، اتحاد شوروی زمان  
نیست . یک ابرق رت امپریالیستی است که در رقابت با امپریالیسم  
آمریکا از سیاستی افسار گسیخته ، تفرق طلبانه و توسعه طلبانه پیروی  
میکند و روی آنست که از طریق سیمه ، توطئه و قهر سلطه خود را  
بر سراسر جهان بگستراند .

برای خدمت به این سیاست و این اهداف افتخار تاریخ دست  
میرند ، حقایق مسلم انحریف میکنند ، واقعیات را میوشانند ،  
و قایع انقلابی گذ شتفر انکدر می نمایند .

در قطعنامه م آورده شده روزیونیست ، در مقالات مطبوعات  
و در تعلق های رهبران بمناسبت این واقعه و حتی گفهای هم درباره  
مردی همان نماید که در زمان جنگ در راس دولت شوروی و ارتش سرخ

رژیم شاه ، سد راه تکامل کشور

شاه برآست که ایران مرحله کشور در حال رشد را پشت سر گذارد و به  
کشور برای حرف ها و تبلیغات شاه قلم بطلان میکند .

هر چند سال یکبار هیئت دولت در پیشگاه ملوکانه " جلسهای ترتیب میدهد و برنامه  
برنامه های گذر آن آهنگ رشد ایران بارقی ترسیم میشود که در جهان بینظیر باشد . بالاخره آوردن ارقام پروری کافند گفهای نمیخواهد  
با کرد شرف نام ایران را میتوان از آنچنان رشد و پر خور در ساخت که هر روز یک کشور های توسعه یافته جای گیرد . حالا اگر این برنامه ها از حد و حر  
و ارقام پروری کافند فراتر نرود باقی نیست چون شاه و دولت دست نشانده فاشیسم خواهند و نصیحتها را با اقتصاد کشور محروم و سوسامانی  
تهران اکنون نیست برنامه اقتصادی گشوی را که یکی در وارد ست کاری شده و هم عظیم تر انقلابی تروج جهان بینانتر نمایند و باید همنا سد  
چون گمات در ریزش اومعانی دیگری دارند . همین مجله در مورد برنامه های گذشته می نویسد : " ما چند سال قبل بسیاری از برنامه ها را  
هانام گذاشتم یعنی برنامه های که بصورت نشریات مفضل با کافند های مرغوب و جلد ول بند بیهای فشنگی تهیه شد فاست ولی هرگز از صفحه کافند  
بعصحنه عمل نگرا فید فاست ( تکیه از ما - توقان ) ( سرمقاله شماره ۵۲ - ۱۰ مورخ ۱۹ مرداد ۵۳ ) . همین مجله در و برنامه های پیشین را که  
امروز برنامه ها می نامد با همین گمات بیای همبستر انقلابی تر و نظائر آنها توصیف میکند . باید انتظار داشت چند سال دیگر برنامه همبستر  
انقلابی تروج جهان بینانتر گشوی نیز نام م برنامه بگیرد . در واقع هم جز این نخواهد بود .

بدین ترتیب کشور ما در حرفها سرعت سوسام آوری همبستر ستازد کشورهایی را پشت سر میگردد ارد و در یک کشورهایی بزرگ جهان قنرار  
میگیرد با ما در عمل و در واقعیت همچنان در عقب ماندگی در رجایزند و منتقدان رجایزند بلکه در مورد کشاوری حتی به قهر قرا میروند . علت  
این عقب ماندگی و این رکود را باید در ماهیت رژیم ایران جست . رژیم مولود امپریالیسم ، وابسته با امپریالیسم بود افق منافعی امپریالیسم . امپریا  
لیسم رژیم استبدادی است نشانده فاشیسم را میسر وقت جامعه و منابع سیاسی رشد نیروهای مولد در کشور ما است .

رژیم شاه ملی و غم سخنان در روغ فریبکارانه زمانه ارا آن نه میخواهد و نه میتواند ایران را از عقب ماندگی بد ر آورد و موضع ناسامان  
آن سوسامانی بخشد . رژیم ایران برای چنین هدفی نیز آفرید نشده فاست . نظیر آن برعکس را نیست که ایران را همچنان در زیر و غم امپریالیسم نگساید  
در ارد و شروتهای آن و در سترنج تود های زحمتکش آنرا بتاراج شتی غارتگر اخلی و خارجی دهد هرگز نتواند فاع آزادی را در رسینه خفه کند بهر  
صدائی را که خاطر آزادی بر میخیزد با گلوله خاموش سازد .

امپریالیست های سراسر آنکه در سال نفت ما را به بیهای ناچیز بفارت برد هاند چند ی است مجبور شد هاند برای هر شکلهای بیشتری به  
پردازند . اکنون تمام هوشم آنها اینست که چگونه پولهای پرداختی را از جنگ صادر کنند گان نفت بیرون آورند و در واقع هبه انواع حیل بیرون  
آورند و میاورند .

سایمون ویزر خزانده اری آمریکا گفت در سال ۱۹۷۴ یک کشور های عضو او کسری هم برفته . ۹ میلیارد دلار عوائد نفتی و ۵ میلیارد دلار درآمد  
صادراتی غیر نفتی داشتند ( مطابقه این در رقم اهمیت نفت را در حیات این کشورها بیخوبی نشان میدهد - توقان ) . از این پول ۳۵ میلیارد  
دلار صرف خرید و واردات شد و ۶ میلیارد دلار بکسری صرف میماند اری در خارج از این کشورها کردید . از این مبلغ ۱۰ میلیارد دلار در آمریکا  
سرمایه گذاری شد فاست ، که بترتیب ۱ میلیارد دلار صرف خرید اوراق بهاد ارد و لقی ، ۴ میلیارد دلار صرف سپردن های بانکی و یک میلیارد دلار  
همه خرید سهام اراتنی های دیگر اختصاص یافت میسند و اطلاعات خود اضافی میکند : طبقه ای است در این خرج کردنها مخرج " برای  
بعضی از کشورهای فرقی میکند اما در نهایت امر همه پول بیاناتک های کشورهای صنعتی بر میگردد ( اطلاعات ۲۷ بهمن ۵۳ ) .  
بدین ترتیب تمام پولی که کشورهای او یک در سال گذاشته دریافت کرد فاشیسم بصورت خرید محصولات ، و بصورت سرمایه گذاری  
به کشورهای اروپا و آمریکا بازگشته است .

نیروهای خود را در مبارزه با رژیم شاه درهم آمیزیم !

بمناسبت  
سی امین سال پیروزی بر فاشیسم



نام استالین بزرگ با آزادی بشریت از یوغ فاشیسم در آمیخته است.  
جاودان باد نام استالین !

سازمان مبارکستی - لنینستی - توفان

۸ ماهه ۱۹۴۵ درنده فاشیسم در کنا خود برلن از پای

بر آمد .

خلق شوروی ، ارتش سرخ شوروی ، پارتیزانهای شوروی با  
قلبی آکنده از کینه به دشمن فاشیست ، با دادن تلفات و قربانی -  
های فراوان ، با دلیری و قهرمانی آنچنان حماسه‌ای آفریدند که  
تاریخ نظیر آن را بیابد ندارد . اما آن سردار کبیری که پیکار قهرمانانه  
خلق شوروی ، ارتش سرخ شوروی و پارتیزانهای شوروی را الهام  
بخشید ، سازمان داد و رهنمون شد و فاشیسم را در لانه خود در  
هم کوبید استالین بزرگ بود .

نام استالین در نبرد علیه فاشیسم آنچنان نیروی می آفرید  
که هیچ سلاحی را در برابر آن یارای ایستادگی نبود .

درود به قهرمانان استالینگراد که بار لاوری و پایداری و  
استواری ، با خون هائی که در کرانه رود ولگا نثار کردند  
ضربه‌ای آنچنان کاری بر پیکر فاشیسم وارد آوردند که دیگر از آن  
قد راست نگر !